

مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام
از منظر مصلحت و دوام

سمیه محمدی
سمیه اکرمی
مریم نادریان

سرشناسه: محمدی، سمیه، ۱۳۶۳ -
 عنوان قرارداد: ایران، قوانین و احکام
 عنوان و نام پدیدآور: مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام از منظر مصلحت و دوام / سمیه محمدی، سمیه اکرمی، مریم نادران.
 مشخصات نشر: تهران: پارسینه، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری: ۲۲۲ ص.
 شابک: ۶۰۰۰-۶۰۰۰-۷۳۶۹-۱۱-۱، ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۹-۱۱-۱
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 یادداشت: کتابنامه.
 نوع: مجمع تشخیص مصلحت نظام -- مصوبات
 موضوع: مجمع تشخیص مصلحت نظام
 نوع: مصلحت (اصول فقه)
 سرشناسه: اکرمی، سمیه، ۱۳۵۹ -
 شناسه: نادران، مریم، ۱۳۵۹ -
 رده‌بندی کتبی: ۳۲۲/۵۰۰
 رده‌بندی دیویی: ۳۴۲/۵۰۰
 شماره کتابشناسی: ۳۵۰۰۰۰۰۰



اقیانوس آبی دانش



نشر پارسینه

نام کتاب: مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام از منظر مصلحت و دوام
 مولفین: سمیه محمدی، سمیه اکرمی، مریم نادران
 مدیر اجرایی - ناظر نشر و چاپ: جواد فقیهی پور، سمیه فقیهی
 طراح جلد: سمیه فقیهی پور
 ناشر: پارسینه
 حروفچینی و صفحه‌آرایی: واحد تولید گروه پژوهشی اقیانوس آبی دانش
 لیتوگرافی / چاپ و صحافی: مجتمع چاپ اول
 شابک: ۶۰۰۰-۶۰۰۰-۷۳۶۹-۱۱-۱، ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۹-۱۱-۱
 نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۹۳
 شمارگان: ۵۰۰ نسخه
 قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال

حق چاپ این اثر، برای مولفین محفوظ است

دفتر مرکزی: تهران، خیابان... / دفتر نشر پارسینه

۱۳۸۸

فهرست مطالب

فصل اول : کلیات

مقدمه	۲
-------------	---

فصل دوم : مصلحت از دیدگاه فقه اسلامی

مفهوم شناسی مصلحت	۹
مصادیق و دلالت	۹
مصلحت در اصطلاح از نگاه اندیشمندان مختلف	۱۲
رابطه مصلحت با شرع	۱۹
مقاصد شریعت	۲۳
اقسام مصالح از جهت مختلف	۲۶
تبعیت احکام از مصالح و مفاسد	۳۶
جایگاه مصلحت در فقه امامیه و فقه حنفیه	۴۹

فصل سوم : بررسی فقهی مصلحت (ادله صحت عمل به مصلحت)

مقدمه	۷۷
بررسی مصلحت در قرآن و نمونه هایی از آن	۷۷
مصلحت در سنت و روایات	۸۶
جایگاه مصلحت در آرای فقهای شیعه	۸۸
مصلحت و احکام سه گانه (اولیه، ثانویه، حکومتی)	۱۰۷
مصلحت و تراجم احکام	۱۲۳
بررسی تفاوت میان احکام واقعی با ظاهری، و احکام حکومتی با ثانوی و شرعی	۱۲۹

فصل چهارم = جایگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام در حکومت اسلامی

تاریخچه مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۳۶
مجمع تشخیص مصلحت نظام قبل و بعد از بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	۱۳۷
تشکیلات مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۴۴

وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام.....	۱۴۶
مشروعیت حقوقی و فقهی مجمع تشخیص مصلحت نظام با تنفیذ رهبری	۱۵۹
تعریف سیاستگذاری کلی نظام.....	۱۷۱
جایگاه مصوبات مجمع در ارتباط با سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی.....	۱۷۵
جایگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام در نظام حقوقی ایران.....	۱۷۶
نقش مجمع در راستای حل معضلات نظام.....	۱۸۱
قلمرو حقوقی مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام.....	۱۸۷
نظایر های پیرامون تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام.....	۱۹۳
نتیجه گیری.....	۱۹۷
منابع.....	۲۰۷

مقدمه

جهان امروز شاهد تحولات در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و دیگر حوزه‌ها می‌باشد. دین اسلام از جامعیت برخوردار است و در همه این عرصه‌ها حضور داشته و به نیازهای روز بشر پاسخ می‌دهد.

با شهادت نبی انقلاب اسلامی برای نخستین بار «شریعت»، صبغه‌ای ایدئولوژیک یافت یعنی سند در جامعه ایران واجد گوهری ایدئولوژیک گردید و موازین شرع به خدمت مشروعیت قواعد هنجارها و ارزش‌های حاکم بر آن درآمد و حیات آن در صحنه فرهنگ و اجتماع، وام‌دار مفاسیم و مقبولی چون قره ایزدی (به تعبیر ماکس وبر) و پرهیزکاری فردی و اجتماعی (به بیان مورگن‌ریس)، قرار گرفت.

از دوران انقلاب اسلامی به بعد جایی دو بخش معنوی و دنیوی یا قدسی و عرفی از میان رفت و میان این دو پیوندی فکری برقرار شد و بار دیگر شریعت در جامعه، کارکرد نوینی یافت. اصول و فروع دین در چهار باب نهادهای سیاسی و حقوقی صورت ایدئولوژیک به خود گرفت و ما برای نخستین بار در قلمرو «عصر توسعه ایدئولوژی مذهبی» شدیم. مهم‌ترین خصیصه انقلاب ایران که بهمن سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، مذهبی بودن آن بود و این امر به خوبی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشهود است.

یکی از عناصری که برای پاسخگویی به نیازهای فردی و اجتماعی در دین اسلام پیش‌بینی شده است عنصر «مصلحت» است. عمده نقش‌آفرینی مصلحت در اجتماع است که در زمان‌های گذشته، به علت عدم حاکمیت علمای دین در حالت انزوای قدرت ولی در عصر حاضر با تشکیل حکومت دینی و قرار گرفتن فقیه عادل در رأس حکومت پرداختن به مباحث «فقه الحکومه» از درجه اهمیت بالایی برخوردار است.

مصلحت در نظام‌های سیاسی و اجتماعی دارای جایگاه ویژه‌ای است؛ زیرا هر انسانی بر اساس انگیزه خاصی به ظهور رفتار معینی اقدام می‌کند و در انگیزه‌های خود، مصالح فردی و اجتماعی و خانوادگی و همچنین مادی و معنوی را مدنظر قرار می‌دهد و در تراحم

مصلحت‌ها به مصلحتی که از اهمیت بیشتری برخوردار است روی آورده و مصلحت کمتر را فدای آن می‌سازد.

در گذشته نحوه عملکرد شورای نگهبان و شدت عمل آنها در قبال قوانینی که مخالف با موازین شرعی بودند به تدریج در نظم حکومتی و بافت سیاسی جامعه، تأثیر نمود و اوضاع به کیهنی درآمد که مشخص نبود ادامه آن به کجا خواهد انجامید، بنابراین حضرت امام خمینی (ره) برای اولین بار در حیات حقوقی این کشور، مجمعی به نام «مجمع تشخیص مصلحت نظام» را مطرح کردند.

مجمع مذکور بر اساس قانونی که در سال ۱۳۶۸ در قانون اساسی به عمل آمد به صورت اصل ۱۱۲ گنجانیده شد. به موجب اصل فوق الذکر: «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بدانند، مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره و راهی که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دسترس آن تشکیل می‌شود».

مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضا تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید. به این ترتیب نقش بازدارنده شورای نگهبان محدود شده و اگر مصلحت نظام ایجاب نماید، حتی می‌توان قوانینی را مغایر با احکام اولی یا قوانین صادره نیز تصویب و اجرا نمود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۱۲ با صراحت این مصلحت نام برده و مرجع تشخیص آن را «مجمع تشخیص مصلحت نظام» دانسته است. البته تبیین کلی این مجمع، رسیدگی به اختلاف نظر میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان است. چنانچه مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان نتوانند به نظریه مشترکی دست یابند، مجمع تشخیص مصلحت نظام باید با توجه به نظریات آن دو، مصلحت را تشخیص داده و بر مبنای آن به اصلاح مصوبه مورد اختلاف می‌پردازد.

در صورت تأیید مصوبه مزبور در مجمع تشخیص مصلحت، باید آن را «اعمال اختیارات مطلقه ولی فقیه» یا «حکم حکومتی» نامید. شایان ذکر است، مصلحت نقش اساسی در

تشریع احکام دارد و احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد در متعلقاتشان می‌باشند. یکی از صباحتی که در فقه شیعه و فقه اهل سنت مورد توجه جدی واقع شده، نقش مصلحت در احکام حکومتی است. احکام حکومتی صدور و تنفیذشان منوط به مصلحت است و در موضوع جواز حکم حکومتی، مصلحت‌اندیشی اخذ شده است. لذا حاکم اسلامی در چارچوب مصلحت به جعل احکام می‌پردازد پس مصلحت نظام اسلامی چه در بعد مصلحت‌اندیشی و چه مصلحت کرداری، رابطه مستقیم با حفظ نظام دارد.

آرتین‌رو در پیش‌نویس اصل ۱۱۳ نخستین وظیفه این مجمع، صدور «حکم حکومتی» دانسته شده است. بنابراین مجمع باید بر آن که موظف است در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد به مشاوره بپردازد و رهبر را در امور مهم می‌تواند بازوی مستقیم رهبری بوده و حکم حکومتی صادر نماید.

نکته قابل توجه این است که در قانون اساسی مشخص نگردیده است چه اصولی «مصلحت نظام» است و از همه مهم‌تر آن که، به نظر شورای نگهبان که در آن فقط فقها حق اظهارنظر درباره انطباق یا عدم انطباق قوانین مصوبه مجلس شورای اسلامی یا موازین شرعی دارند، در مجمع تشخیص مصلحت نظام، چنین فیدی نیست و هر شخصی را که رهبر تأیید و تعیین نماید ولو آن که فقیه و مجتهد نباشد حق اظهار نظر بر آن گونه امور را دارد.

نکات فوق و ابهامات قانونی موجود در تأسیس حقوقی و اصولی «مجمع تشخیص مصلحت نظام» راه را برای پیشبرد امور بر اساس مقتضیات زمان نشان باز کرده و اجازه می‌دهد که بتوان به هر مسأله‌ای به چشم «مصلحت نظام» نگریست و خارج از چارچوب‌های از پیش ساخته شده و صرفاً براساس مقتضیات زمان تعیین تکلیف نمود. حال به طور کلی می‌توان اظهار کرد که مجمع تشخیص مصلحت وقتی واجد اهمیت می‌شود که ایدئولوژی شرعی در پی آن برآمده تا پارادوکس‌های موجود را با تکیه بر شرایط حاکم حل و فصل نماید.

به نظر می‌رسد مبتنی بودن نظام بر اصول دین امری کاملاً لازم و ضروری است ولی کفایت آن احساس نمی‌شود چرا که دین یک امر بسیار با اهمیت و بزرگترین دغدغه انسان است پس باید برای حفظ آن ضمانت اجرایی مطمئنی در قانون اساسی پیش‌بینی گردد که لازمه مسلم آن این است که مقررات و قوانین ناشی از آن و به طور کلی مقررات حاکم بر افراد این تمام با اتخاذ از موازین شرع باشد و با آنها تطبیق کند.

حال سخن بر سر این مسأله است که باید نقد و منجش احکام و حقایق را وسیله حل و فصل مسائل و مشکلات حقوقی- اجتماعی و سیاسی قرار داد و از نقد اندیشه حقوقی- شرعی استنباط کرد که اندیشمندان میدان داد تا مسائل و احکام را با دیده علمی ارزیابی کنند و نباید تصدیق کرد که مسائل حقوقی و شرعی امور غیر قابل تغییر و ثابت هستند. پس انسان دائماً می‌تواند مقتضای معنوی و ایمانی خود را از نو کشف کند و آن را به محک تجربه نقد نماید.

باید دانست که أخذ قوانین از شرع معنوی و تطبیق قوانین جدید با موازین و احکام اسلامی فرآیند بسیار ظریف و پیچیده روند قانون‌گذاری است که در نهایت درایت و دقت باید تدوین شود.

یکی از دغدغه‌های فکری و پرسش‌های اساسی در سال‌های اخیر این بوده است که دین در مواجهه با مصالح اجتماعی به چه میزان انعطاف‌پذیر می‌شود و این پیش فرض را در درون خود می‌پرورد که دین با مصالح اجتماعی مواجهه و تلاقی دارد و حتی دیگر اساساً دین از آنجا که فاقد جنبه ایدئولوژیک است هیچ گونه تصادمی با مسائل اجتماعی نداشته و ندارد.

همانطور که می‌دانیم براساس آموزه‌های فقهی در فقه امامیه، احکام تکمیل مصالح و مفاسد واقعی و نفس الامری هستند از طرفی دیگر مصالح موقت اجتماعی اقتضا می‌نماید تا مادام المصلحه، احکامی برای مدیریت اجتماعی و اقتصادی جامعه از ناحیه حاکم و حکومت وضع گردد. بدین جهت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نهاد مجمع تشخیص مصلحت پیش‌بینی شده است.

مصلحت از مفاهیم مهمی است که پس از انقلاب اسلامی از آن بسیار سخن رفته؛ اما آن گونه که باید و شاید صاحب نظران و دانشوران ژرف اندیش به زوایای آن نپرداخته‌اند. از این رو هر از چندگاه شاهد اظهارنظرهای نادرست و ابهام‌انگیز از سوی ناآشنایان به گستره مفهوم و محتوا و کارگشایی این عنصر هستیم.

جایگاه مصلحت اجتماعی در مصوبات مجمع و تأثیر عنصر زمان و دوام مصلحت در اعتبار آن در مهم‌ترین دغدغه‌های مولفان در این پژوهش است. بدون تردید مصوبات مجمع تشخیص در مقام تعارض بین مصوبات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان از جایگاه حقوقی لازم برخوردار است، ولی در مواردی مشاهده شده است که مجمع خود رأساً به تدوین مقرراتی مبتنی بر خود است. سؤال اساسی این است که آیا مصوبات مجمع از اعتبار حقوقی و شرعی برخوردار است؟ پاسخ به این سؤالات مهم‌ترین رویکردی است که در پژوهش پیش‌رو می‌باشد.

در جهت دستیابی به آنچه اشاره شد، پژوهش حاضر انجام گرفته و در چهار فصل تنظیم شده است:

فصل اول به بیان مقدمه و کلیات تحقیق می‌پردازد. **فصل دوم** به بررسی جایگاه مصلحت در فقه اسلام و توسعه و تعمیق معارف فقهی در زمینه مصلحت که شامل؛ مفهوم‌شناسی مصلحت و رابطه آن با ضرورت، اقسام مصالح از جهات مختلف، تبعیت احکام از مصالح و مفاسد از دیدگاه قرآن، روایات و عقل می‌باشد و آنچه در این فصل به صورت برجسته آمده است مقوله ارتباط قاعده تبعیت احکام و مجمع تشخیص مصلحت نظام است. و همچنین جایگاه صحت را در فقه امامیه و مقایسه آن با مصالح مرسله در فقه اهل سنت از طرفی دیگر نزدیکی بین این دو دیدگاه مورد تحلیل قرار گرفته است. در **فصل سوم** نیز به بررسی فقهی مصلحت و ادله صحت عمل به آن اختصاص دارد که در این فصل مصلحت در قرآن و روایات و آرای فقهای شیعه به ویژه در اندیشه امام خمینی (ره) بیان شده است و بنا به ضرورت عناوین؛ مصلحت و احکام سه گانه، تزامم احکام، تفاوت میان احکام واقعی با

ظاهری، احکام حکومتی با ثانوی و شرعی تفسیر شده است. نهایتاً در فصل چهارم قبل از ورود به بحث اصلی، ضرورت طرح بحث در زمینه ولایت مطلقه فقیه در قانون اساسی و شرایط ولی فقیه در فقه اسلامی مورد امعان نظر قرار گرفته شد و در راستای بحث فصل چهارم با عنوان جایگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام آغاز شد که در آن تاریخچه و وظایف مجمع که شامل وظایف عادی و اتفاقی آن می‌باشد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است در ادامه نیز به تبیین سیاست‌گذاری کلی نظام و ارتباط آن با مصوبات مجمع و موقعیت آن در سلسله مراتب فاعل‌های نظام و مقدار گستره مصوبات مجمع پرداخته شده است و در مباحث بعدی نسبت به تعیین از صاحب نظران در زمینه مبانی مشروعیت مجمع مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.